



Economic Diplomacy and the Prospect of Convergence in the Islamic World

Seyed Mohammad Assef Kazemi¹

Abstract

The issue of unity and convergence is one of the essential goals of Islamic Sharia and a key concern for Islamic reformers. Nevertheless, the Islamic world continues to face a crisis of division and disunity. Therefore, the future of Islamic convergence requires overcoming the current situation in order to envision and realize a desirable and unified future. The aim of the present research is to explore the following question: What role does economic diplomacy play in the prospect of convergence in the Islamic world?

The author's hypothesis is based on the assumption that focusing on economic relations and diplomacy among Islamic countries can serve as a starting point for convergence within the Islamic world. The findings of the study—based on the conceptual foresight model of Oregon—indicate that the expansion of economic relations and diplomacy can make convergence in the Islamic world achievable. This is because economic cooperation is a fundamental prerequisite for convergence, and the Islamic world possesses valuable economic potentials and capacities, including energy, mineral resources, labor force, and a strategic geopolitical position in trade.

Therefore, by expanding economic relations, the level of solidarity and convergence among Muslims and Islamic countries will increase, ultimately leading to the realization of convergence in the Islamic world.

Keywords: Foresight, convergence, economic diplomacy, energy, labor force, Islamic Development Bank.

¹ Ph.D in Contemporary History of the Islamic World and professor at the institute for the study of Islamic history and Civilization.



دیپلماسی اقتصادی و چشم‌انداز همگرایی در جهان اسلام

سید محمد آصف کاظمی*

تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ تایید ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

چکیده

مسئله‌ی وحدت و همگرایی، یکی از ضروریات و اهداف مهم شریعت اسلامی و از دغدغه‌های مصلحان اسلامی به شمار می‌رود؛ با وجود این، همچنان جهان اسلام با بحران تفرقه و واگرایی روبه‌رو است. بر این اساس، آینده‌ی همگرایی اسلامی مستلزم عبور از وضعیت کنونی بوده تا بتواند آینده‌ی مطلوب و چشم‌انداز همگرایی را ترسیم نموده و آن را عملی سازد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی این پرسش است که دیپلماسی اقتصادی، چه نقشی در چشم‌انداز همگرایی در جهان اسلام دارد؟ فرضیه‌ی نگارنده بر این فرض استوار است که توجه به ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی در بین کشورهای اسلامی می‌تواند سرآغاز همگرایی در جهان اسلام باشد. یافته‌های بحث که بر اساس مدل مفهومی چشم‌اندازسازی اُرگون شکل گرفته‌اند، نشان می‌دهند با گسترش ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی، شکل‌گیری همگرایی در جهان اسلام امکان‌پذیر خواهد بود؛ زیرا همکاری اقتصادی، نخستین شرط همگرایی بوده و جهان اسلام زمینه‌ها، امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی ارزشمندی از جمله انرژی، معادن، نیروی کار، موقعیت ژئوپلیتیکی در تجارت و غیره دارد. از این رو، با گسترش ارتباطات اقتصادی، میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی افزایش یافته و در نهایت، شکل‌گیری همگرایی در جهان اسلام را موجب خواهد شد.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز، همگرایی، دیپلماسی اقتصادی، انرژی، نیروی کار، بانک توسعه‌ی اسلامی.

* دکترای معاصر جهان اسلام و استاد مجتمع آموزش تاریخ و تمدن اسلامی

وحدت، همگرایی و یکپارچگی جهان اسلام، از جمله موضوعاتی بوده که طی قرن‌ها در منابع و آموزه‌های دینی و اندیشه و رفتار رهبران دینی و سیاسی جهان اسلام، همواره با فراز و نشیب دنبال شده و دارای پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام است. این امر در تاریخ معاصر به آرزو، آمال و هدف اصلی مصلحان اسلامی و جنبش‌های سیاسی-اجتماعی و حتی فکری مبدل شده است. متفکران و دولتمردان اسلامی، پاسخ‌های ارزشمندی را به این مسئله و بحران ارائه داده‌اند؛ اما متأسفانه مرحله‌ی اجرا تاکنون به دلایل مختلفی ناکام مانده است. از طرف دیگر، آینده‌ی مطلوب جهان اسلام در گرو وحدت و همگرایی امت اسلامی است. کشورهای اسلامی، تنها در شرایطی می‌توانند به‌عنوان یک قطب قدرتمند در جهان آینده ایفای نقش کنند که به سمت همگرایی رهنمون شوند. این مهم در گرو چاره‌اندیشی و آینده‌اندیشی برای فرصت‌های پیش رو است. در این تحقیق بر اساس روش چشم‌انداز به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی از شرایط و ظرفیت بهتری برای حل بحران واگرایی و ترسیم همگرایی در جهان اسلام برخوردار است. امروزه، دیپلماسی و ارتباطات اقتصادی بین کشورها، یکی از اساسی‌ترین و البته، ابتدایی‌ترین روش‌ها جهت ارتقای روابط و شکل‌گیری همگرایی است. مسلمانان و کشورهای اسلامی دارای زمینه‌های فراوانی در دین، تاریخ، فرهنگ، تمدن، منابع و منافع هستند. در این تحقیق به زمینه‌های اقتصادی شکل‌دهنده دیپلماسی اقتصادی خواهیم پرداخت.

۱. مفاهیم و چارچوب نظری

قبل از پرداختن به دیپلماسی اقتصادی و نقش آن در رهایی از بحران واگرایی و رسیدن دنیای اسلام به همگرایی، لازم است برخی از مفاهیم کلیدی، مفهوم‌شناسی و تبیین گردد. برای فهم، مطالعه و درک آینده و همچنین، چشم‌انداز گفتمان تقریب، روش چشم‌انداز از روش‌های آینده‌پژوهی^۱، چارچوب مناسبی است. آینده‌پژوهی، دانش و معرفت «شکل-بخشی به آینده» به شیوه‌ی آگاهانه، فعالانه و پیش‌دستانه است (ملکی فر، ۱۳۸۵: ۷).

۱-۱. دیپلماسی اقتصادی

امروزه، نظام اقتصاد بین‌الملل دارای ویژگی‌هایی همچون جهان‌شمولی، مرزهای سیال و غیره است. در این شرایط ساختاری، دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی به مسائل





اقتصادی و سهمی شدن در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه‌ی جهانی تغییر کرده است. مهم‌ترین نشانه‌های این تحول کارکردی، گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد و سیاست جهانی است. از این‌رو، با توجه به شتاب گسترده‌ی اقتصاد جهانی و کاربرد دیپلماسی در اقتصاد، استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل دیپلماسی به‌منظور تحقق اهداف اقتصادی کشورها، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته و ابزارهای لازم برای ایجاد محیطی مناسب جهت رشد و توسعه‌ی اقتصادی از یک سو و پیشبرد اهداف و منافع ملی از سوی دیگر، فراهم شده است (ذوالفقاری و زینی‌وند، ۱۳۹۷: ۷۳).

دیپلماسی اقتصادی، واژه‌ی جدیدی است که به‌تازگی وارد ادبیات اقتصادی شده و تعریف دقیقی از آن در دست نیست؛ اما می‌توان آن را تنظیم و پیشبرد سیاست‌های مرتبط با تولید، جابه‌جایی یا مبادله‌ی کالاها، خدمات، کار و سرمایه‌گذاری در سایر کشورها و موضوع تعیین‌کننده در راهبرد اقدام هر کشور در سطح بین‌الملل برای تحقق منافع آن کشورها را تعریف کرد. این واژه پس از دوران جنگ سرد و همگام با گسترش فرایند جهانی شدن مطرح شد و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند در فضای بین‌الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است.

کیشان رانا^۱، دیپلماسی اقتصادی را فرایندی می‌داند که از طریق آن، کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند تا منافع ملی‌شان را به حداکثر مقدار ممکن برسانند. به تعبیر دیگر، دیپلماسی اقتصادی به اقدامات رسمی دیپلماتیکی اطلاق می‌گردد که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه‌ی خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارد؛ درواقع، فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده‌ی منافع اقتصادی کشور در سطح بین‌المللی خواهد بود (موسوی شفایی و ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۵۲). دیپلماسی اقتصادی به دنبال دستیابی به یک هدف خاص، یعنی بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی برای کسب نفوذ سیاسی و پیشبرد اهداف اقتصادی یک کشور است (موحدین، ۱۳۸۶: ۳۸).

کلیدواژه‌ی اصلی مفهوم دیپلماسی اقتصادی، کلمه‌ی دیپلماسی بوده که به معنای فن تدبیر یا روش مسالمت‌آمیز مدیریت روابط بین واحدهای سیاسی و ابزار پیشبرد سیاست خارجی دولت‌ها است (کاظمی، ۱۳۶۵: ۱۲۱). دیپلماسی اقتصادی از طریق فراهم آوردن



^۱ K. S. Rana

زمینه‌ی همکاری‌های اقتصادی با دولت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری با سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی می‌تواند موجب حل تعارضات با نظام بین‌الملل، همزیستی مسالمت‌آمیز و تنش‌زدایی با دیگر کشورها گردد. به‌طورکلی، بر اساس منطق همگرایی، کشورها در عین حفظ هویت و پیگیری اصول و منافع ملی خود، حقوق و منافع دیگران را به رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق‌انگاری سیاسی تلاش دارند هویت خود را نه بر پایه‌ی واگرایی و کشمکش با دیگران بلکه بر مبنای منافع مشترک و همسان و همگرایی با آن‌ها تعریف کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۶-۳۶۷). در دیپلماسی اقتصادی، منطقه‌گرایی نیز یکی از مقوله‌های جدی محسوب می‌شود (فتحی و پاک‌دامن، ۱۳۸۹: ۲۰۶). دیپلماسی اقتصادی می‌تواند در زمینه‌ی رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، همکاری نزدیک با کشورها و تبدیل تعارض به همکاری در روابط با دیگر کشورها بسیار مفید واقع شود؛ زیرا حتی کشورهایی که نگاه اخلاقی و اسلامی به مسائل وحدت و همگرایی ندارند، در روابط بین‌الملل با منطق هزینه-فایده و تأمین منافع ملی خود تصمیم‌گیری می‌کنند. بر این اساس، کشورها در مسیر خود با حفظ هویت‌های خود و در پیش گرفتن دیپلماسی اقتصادی در روابط بین‌الملل، همکاری مسالمت‌آمیزی با دیگر کشورها خواهند داشت.

اگرچه در دیپلماسی اقتصادی، اهداف و موضوعات اقتصادی در سیاست خارجی دارای اولویت است و از ابزارهای مهم در پیشبرد اهداف بلندمدت کشورها به حساب می‌آید؛ ولی دیپلماسی اقتصادی، فصل مشترک بین منافع اقتصادی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و فرهنگی یک کشور است (پوراحمدی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). از این‌رو، دیپلماسی اقتصادی از ابزارهای نوین و قدرتمند کنش در فضای بین‌المللی در برابر دیپلماسی سنتی بوده و کاستی‌های آن را برای پاسخگویی به نیازهای جدید کشورها در عرصه جهانی شدن، جبران و تکمیل می‌نماید (شیخ عطار، ۱۳۸۵: ۱۲).

۲-۱. همگرایی

یکی از مفاهیم مورد بررسی، همگرایی^۱ است. نظریه‌ی همگرایی، محصول تفکر و بینش گروه‌هایی است که تعدد واحدهای سیاسی و حاکمیت ملی دولت‌ها را عامل بروز جنگ و نزاع می‌دانستند. لذا، این گروه‌ها تمام تلاش خود را برای ایجاد سازمان‌های فراملی

^۱ Integration.



اعم از فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به کار گرفتند تا با ایجاد فضای همکاری بین دولت‌ها، از سطح تعارض و مناقشه‌ها بکاهند. همگرایی به‌وسیله‌ی دیوید میترا^۱ به‌عنوان یک نظریه در میانه‌ی دو جنگ جهانی مطرح گردید. طبق نظریه‌ی میترا^۱، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومتی موجب کاهش اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران شده و در عوض، کفه‌ی ترازو را به سمت کارشناسان فنی که سروکار چندانی با فعالیت‌های سیاسی ندارند، سنگین کرده است. میترا^۱ برای توضیح نظریه‌ی خود از اصطلاح «تسری» یا «گسترش»^۲ استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال، از نظر وی، همکاری در زمینه‌ی نفت ممکن است به همکاری در زمینه‌های پتروشیمی، حفاظت محیط‌زیست و حمل‌ونقل نیز منجر شود. میترا^۱ معتقد است ایجاد شبکه‌ی گسترده از نهادهای اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز همگرایی بین‌المللی هستند، بهترین راه مقابله با وضعیت بحرانی واگرایی است (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۶۶-۶۹۷).

همگرایی، فرایندی است که طی آن، بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا، ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای آن مرکز، یا از چنان صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود قرار دهند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (همان، ۶۹۷؛ کاظمی، ۱۳۷۷: ۳؛ سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲). در یک تعریف دیگر، همگرایی عبارت از شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه‌های ارتباطی واحدهای مختلف، با حذف عوامل اختلافی و تعصب‌برانگیز به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک، به‌گونه‌ای به هم نزدیک می‌گردند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

۱-۳. جهان اسلام

برای تعریف جهان اسلام می‌توان ملاک و معیارهای متفاوتی را در نظر گرفت. درعین‌حال، ارائه‌ی یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف این مفهوم، امکان‌پذیر نیست. مفهوم جهان اسلام در دهه‌های اخیر رواج یافته و مرکب از دو واژه‌ی «جهان» و «اسلام» است که به‌تدریج در ترکیب‌های متفاوت و با کاربردهای گوناگون به کار رفته است. به

^۱. David Mitrany

^۲. Ramification



مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه‌ی اصلی و مشترک اعضاء یک کلیت در قرن اخیر است، واژه‌ی جهان اطلاق گردیده است. اصطلاح جهان اسلام، نخستین بار در سال ۱۹۰۶ در کتاب ساموئل مارینوس زویمر^۱ با عنوان «The Mohammadan world of today» ذکر شده و پیش از آن، جغرافی‌دانان متقدم اسلامی از اصطلاح سرزمین‌های اسلامی، مملکت اسلامی، مملکت اسلام و بلاد اسلامی استفاده می‌کردند (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱-۳).

اندیشمندان در تعریف این مفهوم، معیارهایی مانند معیارهای فرهنگی (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۲: ۱۵)، میزان جمعیت (اسعدی، ۱۳۶۶: ۱؛ اول) و یا عضویت در سازمان همکاری اسلامی را در نظر گرفته‌اند (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱). به‌طور خلاصه می‌توان از چهار رویکرد عمده برای تعریف جهان اسلام یاد کرد:

۱. رویکرد بین‌المللی و دولت-ملت محور شامل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی؛

۲. رویکرد کشورمحور، به معنای کشورهایی که دارای اکثریت جمعیت مسلمان هستند؛

۳. رویکرد جمعیت‌محور شامل جمعیت مسلمانان در هر نقطه از کره‌ی زمین؛

۴. رویکرد امت‌محور.

بسیاری از دانشمندان در تعریف این مفهوم، معیار فرهنگی را مهم‌ترین معیار می‌دانند. راینهارد شولتسه معتقد است که اصطلاح جهان اسلام، توصیفی چشم‌گیر برای مجموعه‌ای از کشورها، مناطق و جوامعی است که مسلمانان در آن‌ها در اکثریت قرار دارند و از قرن هفدهم میلادی به اعتبار انکشاف تاریخی فرهنگ اسلامی با یکدیگر پیوند می‌یابند. این اصطلاح توجه‌برانگیز است؛ زیرا یک وحدت فرهنگی بین تمام مسلمانان را مفروض گرفته و برای این وحدت، ارزشی بیش از همه‌ی ویژگی‌های ملی و سنت‌های اجتماعی-تاریخی قائل می‌شود. از این رو، ورای اصطلاح جهان اسلام، این تصور نهفته است که این جهان، وحدت خود را به‌وسیله‌ی دین اسلام حفظ کرده است؛ بنابراین، جهان اسلام، همچون مکانی تلقی می‌گردد که به‌وسیله‌ی اعتقاد ساکنین آن به اسلام تعیین



یافته است. این تلقی، برخی جغرافیدانان فرهنگی را بر آن داشته تا از جهان اسلام به مثابه-
ی «سرزمین فرهنگی» با ویژگی‌های قومی یاد کنند (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱).

از آنجاکه این مفهوم تاکنون تغییر و تحولات زیادی یافته و امروزه نمی‌توان عنصر دولت، ملت و امت را از تعریف این مفهوم حذف کرد؛ چراکه دو مفهوم دولت و ملت از عناصر کلیدی جهان امروز است و عنصر امت نیز پیشینه‌ی تاریخی این مفهوم را تشکیل می‌دهد که مفاهیمی مانند «دارالاسلام» نشانگر آن است، می‌توان گفت جهان اسلام، مجموعه‌ای از گروه‌ها و کشورهاست که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تمدنی، تاریخی و فرهنگی خاص، آنان را به‌عنوان یک کل پیوسته با یکدیگر مرتبط می‌سازد و از طریق گسترش همان ویژگی‌ها، پایداری و ارتباط خود را حفظ و در جهت یکپارچگی آن تلاش می‌کنند.

۱-۴. روش چشم‌انداز

روش چشم‌انداز، یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است. در آینده‌پژوهی، روش‌های مختلفی همچون مشاوره با خبرگان، بازی‌ها، شبیه‌سازی، تصویرپردازی، تحلیل روند، اتاق فکر و سناریو بررسی می‌گردد. در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت، عمدتاً از روش چشم‌انداز^۱ استفاده می‌شود. چشم‌انداز، یک روش بیان اهداف، مقاصد، آرزوهای فردی، گروهی، جمعی و تخصصی است که در حوزه‌ها و مقیاس‌های مختلف به کار می‌رود و به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آینده باید چگونه باشد؟». چشم‌انداز، یک تصویر ذهنی است که به‌وسیله‌ی قدرت تصور و البته به‌صورت غیر خیالی تهیه می‌گردد (قلیری، بی‌تا: ۱۲).

ازجمله مدل‌های موفق چشم‌انداز، مدل «چشم‌اندازسازی^۲ ارگون^۳» است. مدل چشم‌اندازسازی ارگون توسط شاخه‌ی ایالت ارگون «انجمن برنامه‌ریزی آمریکای^۴» به‌منظور ترویج و حمایت از امر برنامه‌ریزی بلندمدت تدوین گردیده است. مدل ارگون، فرآیندی

^۱ Vision

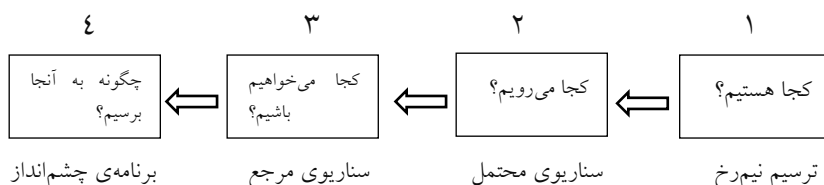
^۲ Prospective

^۳ OREGON

^۴ <https://www.planning.org/>

این انجمن، سازمانی تحقیقاتی-غیرانتفاعی در آمریکاست که از ۳۰۰۰۰ برنامه‌ریز حرفه‌ای رسمی تشکیل شده است (بیگدلی، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۰۵).

متشکل از چهار گام بوده که هر یک از گام‌ها بر اساس یک پرسش ساده بنا می‌شوند: «اکنون کجا هستیم؟ به کجا می‌رویم؟ کجا می‌خواهیم باشیم؟ چگونه به آنجا برسیم؟» (گلکار، ۱۳۸۴: ۳۰-۳۱). طبق فرایند ارگون، اسناد مرتبط با این فرایند را می‌توان بدین صورت تفسیر نمود؛ گام اول چشم‌انداز، تحلیل وضع موجود و ترسیم نیم‌رخ است. در گام دوم به پیش‌بینی ادامه‌ی روند و بیانیه‌ی روند پرداخته می‌شود و شرایطی را که در حال حاضر وجود ندارد، ترسیم می‌نماید. گام سوم، مرحله‌ی آینده‌ی آرمانی و بیانیه‌ی چشم‌انداز است که در آن، وضعیت مطلوب و آرمانی تهیه و تدوین شده و بیان‌کننده‌ی جایگاهی است که تمامی نیروهای برنامه‌ای بایستی در تلاش برای رسیدن به آن باشند. در گام چهارم به برنامه‌ی اجرایی، روش‌شناسی، برنامه‌ها و تقسیم کار برای رسیدن به اهداف پرداخته می‌شود (تفهیمی، ۱۳۸۸: ۷۴).



۲. دیپلماسی اقتصادی و چشم‌انداز همگرایی

چشم‌اندازسازی ارگون در چهار مرحله‌ی تحلیل وضع موجود، سناریوی محتمل، آینده‌ی تصویرشده و سناریوی مرجع و برنامه‌ی اقدام و عملی تدوین می‌گردد. بدین ترتیب، سعی می‌شود چهار مرحله‌ی مذکور با موضوع همگرایی در جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. واگرایی و تفرقه؛ ترسیم نیم‌رخ

اولین مرحله از مراحل چهارگانه‌ی چشم‌اندازسازی ارگون به بررسی وضع موجود و ترسیم نیم‌رخ^۱ اختصاص دارد. برای بررسی این مرحله و اندیشیدن جدی به آینده، نخست باید به این پرسش پاسخ دهیم که هم‌اکنون چه اتفاقی در حال وقوع و جریان است؟ از این رو، باید وضعیت امروزی جهان اسلام مورد بررسی قرار گیرد؛ اینکه دنیای اسلام به چه وضعیتی دچار گردیده که نیازمند تقریب هستیم. بدون درک صحیح از وضعیت کنونی، امکان تأثیرگذاری و کنشگری فعال، نه در زمان حال و نه در آینده وجود ندارد. حرکت اول برای

^۱. Community Profile



حل مشکل، فهم آن است. ما باید درک کنیم که در چه شرایطی قرار داریم و مشکلات و چالش‌های ما کدام‌اند. جهان اسلام طی دو سده‌ی اخیر، به‌ویژه در چند دهه‌ی گذشته، بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. یکی از مهم‌ترین بحران‌های دنیای اسلام، بحران واگرایی و تفرقه است که ریشه‌ی بحران‌های دیگر، به‌گونه‌ای به همین مسئله برمی‌گردد. مقام معظم رهبری، وضعیت کنونی جهان اسلام را در تحلیلی بسیار گویا بیان داشته‌اند. ایشان در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی فرمودند: «امروز، دنیای اسلام حقاً و انصافاً گرفتار است. شما نگاه کنید وضعیت کشورهای اسلامی منطقه‌ی خود ما را، از پاکستان و افغانستان بگیرید تا سوریه و لبنان و فلسطین و از یمن بگیرید تا لیبی؛ این کشورهای اسلامی منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا، امروز گرفتاری‌های زیادی دارند: گرفتاری ناامنی دارند، گرفتاری برادرکشی دارند، گرفتاری تسلط گروه‌های ازخداپی خبر دارند و پشت سر همه‌ی این‌ها هم گرفتار نقشه‌های استکباری قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا هستند که به اسم حفظ منافع خودشان وارد میدان‌ها می‌شوند و هر کاری که دلشان می‌خواهد- همان شهوت و غضب- انجام می‌دهند؛ یعنی انسان‌های بی‌گناه را می‌کشند و از گروه‌های نابکار حمایت می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴). رهبری در جمله‌ای دیگر فرمودند: «حوادث گریه‌آور در منطقه در عراق و شام و یمن و بحرین و در کرانه‌ی غربی و غزه و در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا، گرفتاری‌های بزرگ امت اسلامی است که سرانگشت توطئه‌ی استکبار جهانی را در آن باید دید و به علاج آن اندیشید» (مقام معظم رهبری، ۲۷ شهریور ۱۳۹۴). از این رو، در صورتی که دنیای اسلام به وحدت و همگرایی برسد، با ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود تبدیل به قطبی قدرتمند در جهان خواهد شد و بحران‌های دیگر نیز به برکت وحدت جهان اسلام حل خواهد شد.

۲-۲. مرحله‌ی دوم؛ سناریوی محتمل

در مرحله‌ی دوم، روندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بازشناسی شده و مباحث نوظهور احتمالی صورت‌بندی می‌گردد. بر اساس تحلیل‌های مذکور، یک «سناریوی محتمل» تدوین می‌گردد که سیمای آینده‌ی مسئله را به‌صورت تداوم شرایط کنونی و بدون هیچ تغییر عمده‌ای در جهت‌گیری‌ها نمایش خواهد داد. این مرحله از چشم‌انداز، پاسخ به پرسش «به کجا می‌رویم؟» است که بیانیه‌ی روند^۱ نیز خوانده می‌شود.

در پاسخ به این پرسش باید گفت، اگر نخبگان جهان اسلام نتوانند چشم‌انداز آینده‌ی اسلامی را به‌درستی ترسیم کنند و یا در عملیاتی ساختن آینده‌ی تصویرشده از جامعه‌ی اسلامی کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبارآلود خواهد بود. از دیرباز تاکنون، همواره چالش بزرگ جهان اسلام، مسئله‌ی عدم وحدت و فقدان راهبری مشخص در امور جهانی و تعاملات درون‌دستگاهی بوده است. چنانچه این روند در آینده نیز کنترل نشود، سبب گسترش پیچیدگی‌های درونی، بزرگنمایی اختلافات در میان کشورهای اسلامی و به‌ویژه سوءاستفاده‌های فراوان سایر قدرت‌ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش‌های ساختگی با هدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد. متأسفانه، دشمنان اسلام با استفاده از عوامل خود در جهان اسلام از یک سو و با بهره‌برداری از جهل و تعصب و خودخواهی برخی از عناصر تأثیرگذار سیاسی و مذهبی در میان جوامع اسلامی از سوی دیگر، توانسته‌اند اختلاف جزئی فکری و اعتقادی میان مذاهب را که بسیار طبیعی بوده و لازمه‌ی تفکر اجتهادی در میان مذاهب و صاحب‌نظران اسلامی است، به دشمنی، خشونت، تکفیر، جنگ و خونریزی بین مسلمین تبدیل کنند؛ به حدی که برخی از این جریان‌ها از هرگونه گفت‌وگوی علمی، تلاش برای صلح و دوستی و اقدام برای تقریب و نزدیک کردن دیدگاه‌ها امتناع می‌ورزند. این وضعیت در دهه‌های اخیر، کشتار، جنگ، تفرقه، کینه‌ورزی، عقب‌ماندگی، ویرانی و آوارگی را برای جهان اسلام به ارمغان آورده که برآمده از جهل و تعصب و نتیجه‌ی تفرقه و سیاست‌های خصمانه و استعماری قدرت‌های غربی است.

به اعتقاد مهدی المانجرا، آینده‌پژوه مراکشی، «گرچه امروزه مسلمانان در اختیار خودشان هستند؛ ولی آینده‌ی آنان را دیگران تعیین می‌کنند و آینده‌ی اسلامی در مصادره بیگانگان است؛ چراکه ما دوست داریم کورکورانه و بدون تفکر بر سناریوها و مطالعاتی تکیه کنیم که دیگران برایمان ترسیم کرده‌اند. واقعیت تکان‌دهنده این است که دنیای اسلام، کنترلی بر سرنوشت خود ندارد و در بسیاری از موارد، تنها استقلال صوری دارد. دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند. اگر به همین منوال پیش برویم، آینده‌ی ما تصویر کج‌ومعوج و عبثی از گذشته‌ی دیگران خواهد بود» (المانجرا، ۱۳۸۴، ص ۹)؛ بنابراین، وضعیت کنونی نه تنها هیچ‌گاه ما را به همگرایی نخواهد رساند بلکه زمینه‌های واگرایی در جهان اسلام روزبه‌روز بیشتر می‌گردد. در صورت تداوم این روند، جهان اسلام به سمت تضعیف روزبه‌روز امت اسلامی، تنگ شدن عرصه بر





جریان مقاومت اسلامی، تشدید اختلافات مرزی، تجزیه‌ی مناطق بیشتر و در نتیجه، سلطه‌ی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب بر جهان اسلام و بازگشت دوباره‌ی جهان اسلام به دوران استعمار کلاسیک پیش خواهد رفت.

۲-۳. همگرایی و امت واحده؛ به‌مثابه‌ی سناریوی مرجع

این مرحله، هسته‌ی مرکزی فرآیند چشم‌اندازسازی است. هدف از تدوین چشم‌انداز، چیزی است که آرمان و آرزوی ما بوده و می‌خواهیم در آینده به آن دست یابیم. در این گام بر اساس «سناریوی محتمل» که در مرحله‌ی قبلی بدان پرداخته شد، یک «سناریوی مرجع» و «آینده‌ی تصویرشده» تدوین می‌گردد. مطالعه‌ی این مرحله، پاسخ به این پرسش است که «کجا می‌خواهیم باشیم؟». درواقع، در این مرحله، بیانیه‌ی چشم‌انداز^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیانیه‌ی چشم‌انداز و سناریوی مرجع، امت واحده‌ی اسلامی است. مفهوم «امت»، مفهومی عقیدتی است و به جامعه و گروهی انسانی اطلاق می‌گردد که راه روشنی را برگزیده و به‌سوی هدف و مقصد مشترک در حرکت‌اند؛ رسالت و مسئولیت جهانی خود را تحت رهبری سیاسی-الهی به منصفی ظهور می‌رسانند و در قبال هدایت و رستگاری جوامع دیگر احساس وظیفه می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ۱: ۳۲۶). به تعبیر دیگر، امت یعنی گروهی که روابط و پیوندها بین افراد آن بر اساس مجموعه‌ای از افکار، آرمان‌ها و مبانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک، آن‌ها را در برخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می‌سازد (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). امت در نظام اسلامی، جنبه‌ی ماوراء ملی دارد و دارای ویژگی‌های خاصی مانند یگانه^۲، میانه^۳، برادر^۴، ممتاز^۵ و غیره است. «امت» از نظر اسلام، مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

^۱ Vision Statement

^۲ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. (سوره‌ی انبیا، آیه ۹۲ و سوره‌ی مؤمنون، آیه ۵۲).

^۳ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. (سوره‌ی بقره، آیه ۱۴۳).

^۴ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (سوره‌ی حجرات، آیه ۱۰).

^۵ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. (سوره‌ی آل عمران، آیه ۱۱۰).

به اعتقاد لمبتون، امت در قلب دکترین سیاسی اسلام جای دارد که صرفاً رشته‌های ایمانی آنان را پیوند می‌زنند. مرزها دیگر در دیدگاه اسلام اعتبار نداشته و تشکیلات داخلی امت نیز بر اساس ایمان دینی مشترک استوار است (لمبتون، ۱۳۷۴: ۵۴). از این رو، نظام سیاسی اسلام، تفاوت آشکاری با مکاتب سیاسی و حقوقی معاصر و مرزبندی‌های موجود میان «ملت» و «امت» دارد. اسلام، از آن جهت که دینی جاودانی و جهان‌شمول است، جامعه‌ی بشری را مخاطب خویش می‌داند و توجهی به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی ندارد و کلیه‌ی مسلمانان را به دور از هرگونه تفاوت در رنگ و زبان و ملیت، عضوی از اعضاء «امت یگانه»^۱ می‌داند.

آرمان و سناریوی مرجع در جهان اسلام می‌تواند «وحدت» و «همگرایی» نیز باشد. همگرایی اسلامی یعنی وجود روحیه‌ی برادری دینی و همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه‌ی امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود (تسخیری، ۱۳۸۳: ۲۱۸). بسیاری از متفکران اسلامی، همگرایی و وحدت اسلامی را زمینه‌ساز جامعه‌ی مطلوب، یعنی امت واحده‌ی اسلامی در نظر می‌گیرند. مفهوم وحدت و همگرایی و همچنان دعوت به آن در جهان اسلام، همواره به‌عنوان موضوعی ایده‌آل برای روشنفکران و اندیشمندان اسلامی جهت رسیدن به امت واحده‌ی اسلامی، مطرح بوده است. در تاریخ معاصر نیز مهم‌ترین تلاش‌های مصلحان اجتماعی و طلایه‌داران همگرایی در راه احیای تفکر وحدت و همگرایی در جهان اسلام صورت گرفته است (فوزی توپسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۲).

۲-۴. دیپلماسی اقتصادی به مثابه‌ی برنامه‌ی اقدام چشم‌انداز

مرحله‌ی چهارم برنامه‌ی چشم‌اندازسازی، یک فرآیند مستقل و کامل، برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی و اقدام^۲ است که راهبردها و اقدامات لازم را جهت هدایت موضوع به سمت چشم‌انداز تدوین می‌نماید. آخرین مرحله‌ی چشم‌اندازسازی، پاسخ به مهم‌ترین پرسش چشم‌انداز یعنی «چگونه به آنجا برسیم؟» است.

^۱ اِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً. (سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۵۲).

^۲ Action planning





کشورهای اسلامی دارای عمیق‌ترین اشتراکات فرهنگی هستند که زمینه‌ی بسیار خوبی را برای همگرایی فراهم ساخته است. بهره‌گیری از ارزش‌ها، زمینه‌ها و علایق مشترک فرهنگی، از عناصر مهم همگرایی به شمار می‌رود. در این زمینه‌ها، کشورهای اسلامی از جایگاه مناسبی برخوردارند که می‌توان به ویژگی‌های مشترک فرهنگی تاریخی، وحدت طبیعی و جغرافیایی، تمدنی، روابط عاطفی و غیره آن‌ها اشاره کرد. زمینه‌ها و عوامل مذکور، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری تشکلهای بین‌المللی و منطقه‌ای و پدیدار شدن فرایند همگرایی دارند (احمدی پور، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۳؛ کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۲۴؛ شوشتری، ۱۳۸۳: ۷۱-۱۰۰). تعلق خاطر به یک فرهنگ و تمدن و عناصر فرهنگی مانند هنرهای، ارزش‌ها، آداب، رسوم، سنن، رفتارها و منش‌های خاص جامعه، گذشته‌ی تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن و احساس هویت تاریخی، پیونددهنده‌ی نسل‌های مختلف به یکدیگر و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخ خود است (معمار، ۱۳۷۸: ۱۷). از این رو، این عناصر فرهنگی از مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی همگرایی به حساب می‌آیند. برنامه‌ی اقدام و راهکارهای فرهنگی نخبگان و اندیشمندان اسلامی برای خروج از بحران واگرایی و رسیدن به همگرایی و تقریب دارای اهمیت فراوان است. این افراد، برنامه‌های مهم و ارزشمندی را ارائه داده‌اند که باید در جای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار به دنبال بررسی و نقش دیپلماسی اقتصادی به‌مثابه‌ی راه‌حل و رسیدن به همگرایی در جهان اسلام هستیم.

امروزه، تجربه‌ی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نشان داده است که همگرایی بین کشورهای یک منطقه، تا وقتی روند رو به رشدی دارد که سازمان‌ها بتوانند فعالیت‌های دربردارنده‌ی منافع مشخص برای اعضاء را در دستور کار خود قرار دهند. درواقع، اگر سازمان‌های منطقه‌ای بتوانند در پرتو همکاری منطقه‌ای، فعالیت‌هایی را سازمان‌دهی کنند که نفع اقتصادی کشورهای عضو را تأمین کند، در آن صورت اشتیاق اعضاء برای همگرایی سیاسی و فرهنگی نیز افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، در شرایط جدید بین‌المللی که امور سیاسی و ایدئولوژیک از اهمیت کمتری در روابط بین‌الملل برخوردارند، توجه جدی به امور اقتصادی صورت می‌گیرد و تلاش کشورهای اسلامی برای افزایش نقش خود در اقتصاد بین‌الملل قابل توجه است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۸).

یکی از این تجربه‌ها، تجربه‌ی اتحادیه‌ی اروپا و اتحادیه‌های اقتصادی جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین است. اتحادیه‌ی اروپا، زمانی به همگرایی رو آورد که به‌تازگی از



جنگ جهانی دوم رهایی یافته بود، شرایط مناسبی برای همگرایی وجود نداشت و بسیاری با بدبینی خاصی به موضوع می‌نگریستند. از طرف دیگر، کشورهای اروپایی در آن زمان بسیار ناهمگن بودند و کشورهای بزرگ در کنار کشورهای کوچکی همچون لوکزامبورگ و ساختارهای سیاسی دموکراتیک (فرانسه، انگلیس و غیره) در کنار ساختارهای دیکتاتوری (اسپانیا، پرتغال و غیره) قرار داشتند. نکته قابل توجه در اتحاد اروپا این است که در تکوین همگرایی اروپایی، کشورهای بزرگی مانند آلمان و فرانسه در آغاز شکل‌گیری همگرایی اروپا، نقش اساسی داشتند و موتور محرک به حساب می‌آمدند؛ ولی این کشورها هیچ‌گاه از موضع برتر در اتحادیه شرکت نکردند بلکه تأثیرگذاری آن‌ها تنها به دلیل حجم بیشتر قدرت اقتصادی و سیاسی بود و نه به دلیل ادعای رهبری در جامعه‌ی اروپایی (محمد ستوده و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۷۵).

بررسی عوامل موفقیت اتحادیه‌ی اروپا نشانگر آن است که یکی از بنیان‌های اصلی پیدایش همگرایی، ارتباطات اقتصادی و همکاری تجاری است. ارتباطات اقتصادی موجب نزدیکی و ارتباطات سیاسی و حتی نزدیکی فرهنگی اعضا می‌گردد. درواقع، نقطه‌ی آغاز اتحادیه‌ی اروپا، همکاری اقتصادی‌ای بود که معرف تجربه‌های گران‌بهای برای جهان اسلام است. این فرایند پیچیده می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که جهان اسلام نیز می‌تواند مراحل مختلف همگرایی را به تدریج تا برقراری همگرایی سیاسی و فرهنگی طی کند. با نگاهی مختصر به این تجربه‌ی همگرایی می‌توان دریافت که همگرایی اقتصادی در صورت عزم جدی می‌تواند به همگرایی سیاسی منجر شود و دست کم با رونق تجارت درون منطقه‌ای، توسعه‌ی کشورهای عضو و قطع وابستگی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای، میزان مطلوبی از امنیت و صلح ایجاد شود. همین میزان از همگرایی برای جهان اسلام بسیار ارزنده و مهم خواهد بود. از این رو، همگرایی و همکاری اقتصادی می‌تواند بهترین وسیله برای تقویت موقعیت جهان اسلام در نظام بین‌المللی باشد (محتشم دولتشاهی، ۱۳۷۵: ۱۷۲؛ میرترابی، ۱۳۹۰: ۳۱۳).

جهان اسلام برای برقراری روابط اقتصادی باید اولویت نخست خود را کشورهای اسلامی قرار دهد و مشوق‌های خاصی در سیاست‌های داخلی کشورهای اسلامی در نظر گرفته شود. اقداماتی همچون تأسیس بازار مشترک، لغو یا به حداقل رساندن عوارض گمرکی و تعرفه‌های وارداتی در کشورهای اسلامی و ایجاد شرکت‌های فراملی در جهان اسلام با هدف جذب سرمایه‌های جهان اسلام و جلوگیری از فرار سرمایه‌ها و رقابت با





شرکت‌های غیر اسلامی و غربی می‌توانند در این راستا بسیار تأثیرگذار باشند. این امر در حالی است که جهان اسلام دارای منابع عظیم طبیعی و انسانی و مزیت‌ها و ظرفیت‌های همکاری اقتصادی فراوان است که می‌توان از آن‌ها برای همگرایی استفاده کرد. در ادامه، مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای اقتصادی کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۴-۱. فرهنگ اقتصادی

ازجمله پیش‌شرط‌های توفیق همگرایی در یک منطقه، گسترش فرهنگ‌سازی در این زمینه و تربیت نیروی نخبگانی است که به حرکت جمعی، استقرار صلح و شکل‌گیری همگرایی، معتقد و وفادار باشند. از آنجاکه فرهنگ‌سازی بستری مناسب برای توسعه، تحول و همگرایی، یک امر ضروری است، لذا ابتدا باید فرهنگ جامعه متحول گردد. در این زمینه، اسلام دارای فرهنگ اقتصادی منحصربه‌فردی است. در علم اقتصاد، کار به‌عنوان عنصر مهم تولید معرفی شده است (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱، ۱۱۴۵) و در جوامع توسعه‌یافته، این امر از ویژگی‌های فرهنگ اقتصادی به حساب می‌آید (سریع‌القلم، ۱۳۷۱: ۴۹). عنصر کار و تولید در اسلام از فرهنگ پویا در اقتصاد اسلامی حکایت دارد. در منابع اسلامی، سفارش‌های فراوانی در مورد کار کردن، تولید و اشتغال شده است (سوره هود: ۶۱). در این باره، پیامبر عظیم‌الشأن (صلی‌الله علیه وآله) می‌فرماید: به دست آوردن مال حلال برای تأمین زندگی و گذران معاش، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است (فرید، ۱۳۶۶: ۲، ۸). در این زمینه، روایات فراوانی از پیشوایان دینی داریم (مفید، ۱۳۷۲: ۲، ۲۹۸؛ هدایتی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۰). عدالت اجتماعی، مالکیت، نکوهش فقر و ایجاد رفاه عمومی، از دیگر نمودهای فرهنگ اقتصادی در اسلام است.

۲-۴-۲. جهانی شدن اقتصاد

به‌موازات جهانی شدن اقتصاد، اهمیت شکل‌گیری تشکلهای و اتحادیه‌های اقتصادی و همگرایی اقتصادی نیز رونق فراوان گرفت. کم‌رنگ شدن مرزها، افزایش مبادلات و فعالیت مشترک کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و انگیزه‌هایی همچون افزایش تجارت، نیل به منافع رفاهی، همکاری متقابل در زمینه‌های اقتصادی، افزایش چانه‌زنی‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری با کشورها و گروه‌های فرامنطقه‌ای، تأمین ملاحظات امنیتی-سیاسی و همکاری در زمینه‌های رشد و توسعه و اعتلای سرمایه‌گذاری، ازجمله عوامل روی آوردن به همگرایی اقتصادی هستند (در زمینه‌ی تأثیر جهانی شدن بر همگرایی در جهان اسلام رک: ستوده، ۱۳۸۷: ۹۵-۱۱۴؛ قوام، ۱۳۸۲: ۲۸۰). جهانی شدن، ضمن بین‌المللی

کردن بازار جهانی، محیطی کاملاً رقابتی ایجاد کرده است که در آن، کشورها برای مقابله با مشکلات جهانی شدن، به تشکیل ترتیبات منطقه‌ای و همگرایی اقتصادی روی آورده‌اند (شکیبایی و شاه‌سنایی، ۱۳۹۱: ۹۰).

کشورهای اسلامی نیز در وضعیت جهانی شدن با انواع چالش‌ها و فرصت‌ها مواجه شده‌اند. در این شرایط، اتخاذ هرگونه راهبرد و سیاستی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ سرنوشت‌ساز آن‌ها داشته باشد. در این وضعیت، جهان اسلام نیازمند افزایش تعاملات درون منطقه‌ای و تنظیم روابط خود از طریق مجاری دیپلماتیک و اقتصادی است. دستیابی به این هدف در گرو افزایش سطح قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی است و به نظر می‌رسد به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی در کنار دیپلماسی رسمی، عمومی و فرهنگی می‌تواند سازوکار مؤثری برای در امان ماندن از تهدیدهای جهانی شدن و تحقق - بخشی به همگرایی باشد.

۲-۴-۱. ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی

ژئوپلیتیک، پیوستگی و مرز مشترک و درمجموع، جغرافیا، از دیگر زمینه‌ها و بسترهای سازنده و عامل همگرایی است. در این زمینه نیز جهان اسلام دارای زمینه‌ی مناسبی برای همگرایی است. در حال حاضر، کشورهای اسلامی در سرزمینی با وسعت بیش از ۱۱ هزار کیلومتر طول و ۵ هزار کیلومتر عرض، واقع شده‌اند (عزتی، ۱۳۷۱: ۱۶۳)؛ بنابراین، جهان اسلام دارای مناطق حیاتی و جغرافیای سیاسی کاملاً منحصربه‌فردی است که سیطره بر این مناطق، در قلب راهبردهای نیروهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد (نصری، ۱۳۹۳) و ظرفیت مهم و بستر مناسبی برای همگرایی به حساب می‌آید (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۲۰).

۲-۴-۳. جمعیت و نیروی انسانی

جهان اسلام با جمعیتی بیش از یک میلیارد و هفتصد میلیون نفر، پس از مسیحیت، دومین جمعیت بزرگ مذهبی جهان به حساب می‌آید. به‌طور خلاصه، جهان اسلام دارای ۲۴ درصد جمعیت جهان، ۲۲ درصد خشکی‌ها و فضاها، جغرافیایی جهان، ۲۷ درصد کشورهای مستقل جهان و ۲۷/۵ درصد اعضای سازمان ملل متحد، ۷۰ درصد ذخایر نفت و ۳۰ درصد گاز طبیعی جهان، برخوردار از منابع آب شیرین و رودخانه‌ای، برخوردار از تولید انرژی خورشیدی و آبی، دسترسی به سه اقیانوس بزرگ به‌طور مستقیم، برخورداری از منابع مهم معدنی فلزی و غیرفلزی، برخوردار از اقلیم و مناطق آب‌وهوایی متنوع و دسترسی به انواع محصولات کشاورزی، باغی و دامی و در اختیار داشتن گذرگاه‌های





عمده و حیاتی جهان است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۵؛ حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱، ۲۴۹-۲۵۰). مسلمانان نه تنها در آسیا و آفریقا بلکه در قاره‌ی اروپا، به غیر از دو کشور آلبانی و بوسنی هرزگوین، از طریق مهاجرت به کشورهای بزرگ اروپایی چون انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا توانستند جمعیت‌های میلیونی را به وجود آورند. میزان جمعیت، یکی از عناصر قدرت و موجب بالا رفتن نیروی کار در کشورها است. نظر به اینکه جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار نیاز دارند، نیروی کار از مهم‌ترین عوامل تولید به شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن، همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد. کشورهای اسلامی در این زمینه نیز دارای قدرت جمعیتی بالایی بوده و حجم بسیاری از این قدرت جمعیتی، نیروی جوان و فعال کار هستند که برای رشد، توسعه، ارتباطات و همگرایی اقتصادی در جهان اسلام، بستر و زمینه‌ی مهمی به شمار می‌رود. بر اساس آمار، حدود ۱۸/۲ درصد کل نیروی کار جهان را کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی تشکیل می‌دهند (تمیزی و اکبری، ۱۳۸۳: ۳۰). این در حالی است که از میان ۵۰ کشور اول دارنده نیروی کار، ۱۸ کشور اسلامی با رتبه‌ی بالا در این زمینه قرار دارند (فهرست کشورها بر پایه‌ی نیروی کار، fa.wikipedia.org).

ردیف	کشور	جمعیت (میلیون)	سال	رتبه	کشور	جمعیت (میلیون)	سال	رتبه
۱۰	اوگاندا	۱۷۴۰۰۰۰۰	۲۰۱۳	۱	اندونزی	۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۳	۴
۱۱	ازبکستان	۱۶۹۹۰۰۰۰	۲۰۱۳	۲	بنگلادش	۸۷۶۲۰۰۰۰	۲۰۱۳	۶
۱۲	مالزی	۱۳۱۹۰۰۰۰	۲۰۱۳	۳	پاکستان	۵۹۲۱۰۰۰۰	۲۰۱۲	۹
۱۳	سودان	۱۱۹۲۰۰۰۰	۲۰۰۷	۳	نیجریه	۵۱۵۳۰۰۰۰	۲۰۱۱	۱۱
۱۴	مراکش	۱۱۷۳۰۰۰۰	۲۰۱۳	۵	اتیوپی	۴۵۶۵۰۰۰۰	۲۰۱۳	۱۳
۱۵	الجزایر	۱۱۱۵۰۰۰۰	۲۰۱۳	۶	ترکیه	۲۷۹۱۰۰۰۰	۲۰۱۳	۲۱
۱۶	موزامبیک	۱۰۵۵۰۰۰۰	۲۰۱۳	۷	ایران	۲۷۷۲۰۰۰۰	۲۰۱۳	۲۲
۱۷	قزاقستان	۹۰۲۲۰۰۰	۲۰۱۳	۸	مصر	۲۷۶۹۰۰۰۰	۲۰۱۳	۲۳
۱۸	عراق	۸۹۰۰۰۰۰	۲۰۱۰	۹	تانزانیا	۲۵۵۹۰۰۰۰	۲۰۱۳	۲۶

گزارش مفصل نیروهای کار کشورهای اسلامی را SESRIC منتشر ساخته که در پایگاه اشاره‌شده قابل دسترس است (sesric.org/files/article/509.pdf).



منابع سرشار انرژی در کشورهای اسلامی، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای دیپلماسی اقتصادی و همگرایی اقتصادی به حساب می‌آید. وجود منابع عظیم نفت و گاز در سرزمین‌های اسلامی، موقعیت بی‌بدیلی به این کشورها بخشیده است؛ زیرا حیات اقتصادی جهان صنعتی به نفت و انرژی وابسته است. منطقه‌ی خاورمیانه به‌عنوان مرکز ثقل و هسته‌ی جهان اسلام، بزرگ‌ترین مخزن انرژی در جهان و یکی از نقاط قوت در جهان اسلام به شمار می‌آید. مخازن خلیج فارس به‌تنهایی حدود ۶۶ درصد ذخایر نفتی جهان و حدود ۳۰ درصد کل ذخایر گازی جهان را دارا است (عسگری، ۱۳۸۳: ۱۲-۲۴). ازاین‌رو، جهان اسلام با دارا بودن این حجم بزرگ انرژی و با تجربه همکاری اقتصادی اتحادیه‌ی اروپا (جامعه‌ی زغال و فولاد) می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را فعال ساخته و به سمت همکاری و همگرایی پیش رود.

۲-۴-۵. گردشگری و توریسم

توریسم و گردشگری، از مهم‌ترین ابزار ارتباطات اقتصادی به شمار می‌رود. در قرن اخیر، صنعت گردشگری رشد چشم‌گیری داشته و جایگاه ویژه‌ای را در اقتصاد کشورها پیدا کرده است. گزارش سازمان جهانی گردشگری^۱ حاکی از آن است که میزان سفرهای وردی گردشگران از ۲۵/۳ میلیون نفر به ۸۴۶ میلیون نفر و درآمد حاصل از گردشگری در سال ۲۰۰۶ به ۷۴۱ میلیارد دلار رسیده است (میرترابی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

گسترش این صنعت در جوامع اسلامی برای مسلمانان بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه با ایجاد اشتغال و درآمد، از یک سو سطح رفاه جامعه بالا رفته و از سوی دیگر، گردشگری با بازتاب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی همراه است. گردشگری در جوامع امروزی، متأثر از لایه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز تجربه‌های روحانی و روان‌شناختی فرد بوده که در ساختار خود دارای ابعاد مادی و معنوی است (کریمی پور، ۱۳۹۴: ۵۴). مسلمانان نیز با سفر کردن به کشورهای خود با عقاید، دیدگاه‌ها و افکار یکدیگر آشنا می‌شوند که عامل مهمی برای تحکیم پایه‌های همکاری و همگرایی خواهد بود. تسهیل رفت‌وآمد بین کشورهای اسلامی موجب ارتباطات گردیده و سرعت بیشتری به همگرایی می‌بخشد (جلالیان، برادران و کهنه‌پوش، ۱۳۸۹: ۳).



^۱ World Tourism Organization (WTO)



پرواضح است که کشورهای اسلامی به واسطه‌ی تنوع و پراکندگی جغرافیایی در سطح جهان و در اختیار داشتن میراث غنی جغرافیایی، فرهنگی و سیاحتی، امکان بالقوه‌ی فراوانی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی دارند؛ بنابراین، گردشگری دینی از نمودهای صنعت گردشگری است که ضمن بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، پیام‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نیز در سطح بین‌المللی منتشر می‌سازد و زمینه‌های تعامل و همگرایی را ایجاد می‌کند (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶). بدین ترتیب، گردشگری دینی و زیارت می‌تواند زمینه‌های بسیار مناسبی را برای همگرایی در جهان اسلام شکل دهد و پیامدهای مهم فرهنگی، سیاسی اقتصادی و تمدنی را به همراه داشته باشد (غیاثی، ۱۳۹۸: ۲۹-۲۷). از مصادیق گردشگری دینی، مراسم حج (رک: محمدی و رضایی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷؛ همایون، ۱۳۸۴: ۷۶-۹۹؛ عزیزی‌فر، ۱۳۹۶: ۶۹-۸۰؛ رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۳۸) و همایش باشکوه اربعین حسینی است (کاظمی، ۲۰۲۲: ۱۷۱-۱۹۰).

۲-۴-۶. تقویت اتحادیه‌های اقتصادی

از زمینه‌ها و بسترهای مهم دیپلماسی اقتصادی، توجه به اتحادیه‌های اقتصادی در کشورهای اسلامی است. امروزه، وجود پیمان‌های تجاری منطقه‌ای، امری مطلوب تلقی می‌شود و هر کشوری در دنیا حداقل عضو یک یا چند پیمان اقتصادی است^۱. کشورهای اسلامی در زمینه‌ی ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی دارای چند تجربه‌ی بااهمیت هستند که زمینه‌ی خوبی برای ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی و در نتیجه، همگرایی فراهم می‌سازد. از جمله‌ی این موارد می‌توان به شورای همکاری خلیج فارس^۲، شورای همکاری عرب، سازمان اکو^۳، گروه دی هشت^۴ و آ.سه.آن^۵ اشاره کرد.

۲-۴-۷. توجه به استراتژی اقتصادی سازمان همکاری اسلامی

^۱ کشورهای اسلامی به صورت فردی و یا جمعی در هفده اتحادیه‌ی آفریقائی، چهار اتحادیه‌ی آسیایی و یازده اتحادیه و وابسته به کمیسیون تجارت و توسعه‌ی سازمان ملل متحد حضور دارند (امجد، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۲۰۴).

^۲ Gulf Cooperation Council (GCC)

^۳ Economic Cooperation Organization (ECO)

^۴ Developing 8 / D-8

^۵ Association of Southeast Asian Naation

عمده تلاش‌های کشورهای اسلامی در زمینه‌ی ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی، پس از تأسیس سازمان همکاری اسلامی^۱ صورت گرفت و قبل از آن، تلاش‌ها در زمینه‌ی همگرایی عمدتاً فرهنگی و سیاسی بود. (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). اگرچه سازمان همکاری اسلامی در ابتدا به‌عنوان یک نهاد سیاسی-فرهنگی شکل گرفت؛ اما به‌زودی مشخص شد که همکاری اقتصادی، لازمه‌ی همکاری و اقدام مؤثر در زمینه‌ی مسائل سیاسی است. در نتیجه، مسائل مهم اقتصادی به‌تدریج با هدف تقویت همکاری اقتصادی بین اعضاء اضافه شد و در اجلاس ششم سران در سال ۱۹۶۱، همکاری اقتصادی به‌نحو جدی مورد توجه قرار گرفت و بر تنظیم راهبردهای نوین برای توسعه و تحکیم همکاری اقتصادی در جهت ارتباطات و همگرایی اقتصادی کشورهای عضو تأکید گردید (همان، ۱۴۹).

در این سازمان، نهادهای اقتصادی مانند کمیسیون اسلامی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته دائمی همکاری اقتصادی و تجاری، مرکز اسلامی توسعه‌ی بازرگانی، بانک توسعه‌ی اسلامی^۲، اتاق اسلامی بازرگانی، صنعت و مبادله کالا، کمیته‌های دائمی برای همکاری فناوری و علمی، بازار مشترک اسلامی^۳، اتاق بازرگانی، کمیته‌ی دائمی همکاری‌های اقتصادی و تجاری سازمان همکاری اسلامی (کومسک)^۴، مرکز اسلامی توسعه‌ی تجارت^۵، صندوق تأمین مالی صادرات^۶، شرکت اسلامی بیمه‌ی سرمایه‌گذاری و اعتبار صادراتی^۷ شکل گرفته‌اند (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۴۹؛ جاوید، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۱۲) که زمینه‌های خوبی برای دیپلماسی اقتصادی به حساب می‌آید.

۲-۴-۸. توسعه‌ی اقتصادی

پیشرفت و توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی اقتصادی، محور و زمینه‌ساز سایر ابعاد توسعه است. این امر، زمینه‌ی مناسبی برای دیپلماسی اقتصادی و یکی از عوامل شکل‌گیری

^۱ Organization of Islamic Cooperation (OIC)

^۲ Islamic development bank (IDB)

^۳ Islamic Common Market

^۴ Standing Committee for Economic and Commercial Cooperation of the Organization of Islamic Cooperation (COMCEC)

^۵ ICDT

^۶ EFS

^۷ Islamic Corporation for the Insurance of Investment & Export Credit (ICIEC)





همگرایی در جهان اسلام به حساب می‌آید؛ زیرا پیشرفت و توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی اقتصادی و رهایی از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه، ازجمله دغدغه‌های جدی کشورهای اسلامی و از جدی‌ترین آرمان‌های مصلحان فکری، سیاسی و اجتماعی مسلمانان در دوره‌ی معاصر بوده‌اند. بسیاری از نظریه‌پردازان، توسعه‌ی فرهنگی و سیاسی را منوط به توسعه‌ی اقتصادی و تحقق شاخص‌های رشد اقتصادی را زمینه‌ی توسعه و رشد فرهنگی و سیاسی می‌دانند. در این چارچوب، توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدون توسعه‌ی اقتصادی ایجاد نمی‌گردد (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۰۵؛ کولای، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

شاخص‌های گوناگونی به‌منظور توسعه و تعیین میزان بهره‌مندی کشورها معرفی شده که مهم‌ترین شاخص‌ها عبارت‌اند از: شاخص‌های اقتصادی (ED)^۱ مانند تولید ناخالص ملی^۲ که دربرگیرنده‌ی ارزش کلیه‌ی کالاها و خدمات نهایی تولید و ارزش‌گذاری شده به قیمت جاری بازار طی یک سال مالی است؛ درآمد ملی سرانه (NI) که عبارت از ارزش نهایی کلیه‌ی کالاها و خدمات تولیدشده در یک کشور طی یک سال مالی بوده و سنجش آن از طریق درآمد تولید و یا پرداخت‌هایی است که از طریق عوامل گوناگون درگیر تولید انجام می‌شود؛ قدرت خرید یکسان (PPP)^۳ و وسعت فقر (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶). شاخص‌های توسعه‌ی انسانی (HDI)^۴ همچون دسترسی به بهداشت همگانی و آموزش عمومی، تمرکززدایی و مشارکت، اندازه‌ی بخش کشاورزی، میزان تحرک اجتماعی، میزان سازگاری و همگنی قومی و فرهنگی، میزان تنش‌های اجتماعی، میزان انسجام ملی، قدرت نهادی دموکراتیک و اقتدار سیاسی نظامیان است (همان، ۱۶۶-۱۶۸).

یکی از تحولاتی که توسعه را هموار و تقویت می‌کند، به‌هم‌پیوستگی و توسعه‌ی بازارها، تولیدکنندگان و سیستم پولی در داخل کشورهای علاقه‌مند به توسعه است. شبکه‌ی ارتباطات، حمل‌ونقل، ایجاد مناطق تجاری و صنعتی و غیره، ازجمله ارکانی هستند که به توسعه‌ی جمعی و چندبعدی یک جامعه کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، فقدان این ارکان، توسعه را مختل کرده و کارایی آن را به تأخیر می‌اندازد (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

^۱ Economic Development

^۲ GNP

^۳ Purchasing Power Parity

^۴ Human Development Index

نتیجه گیری

دستیابی و رسیدن به همگرایی اسلامی مستلزم اندیشه، عمل و رفتار تقریبی است. از منظر آینده‌پژوهی، آینده‌ی همگرایی در جهان اسلام مستلزم آن است که مسلمانان از وضعیت بحرانی کنونی عبور کرده، چشم‌انداز آینده‌ی اسلامی را ترسیم نموده و آن را اجرا کنند. با توجه به مدل مفهومی ارائه‌شده، وضعیت کنونی امت و جهان اسلام، جهت‌گیری زیادی به سمت همگرایی ندارد. از این رو، مسلمانان در ترسیم چشم‌انداز همگرایی باید از ظرفیت‌ها و امکانات درونی مانند تولید اندیشه‌ی همگرایی، عمل به اندیشه‌ی همگرایی و رفتار و شکل‌گیری نهادهای همگرایانه بهره‌جویند. در این مقاله به چشم‌انداز همگرایی در جهان اسلام و نقش دیپلماسی اقتصادی در آن پرداخته شد. از آنچه گذشت، به دست می‌آید که کشورهای اسلامی در زمینه‌ی ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی از ظرفیت خوبی برخوردارند. فرهنگ اقتصادی در اسلام، مسئله‌ی ژئوپلیتیک و موقعیت جغرافیایی که جهان اسلام را به منطقه‌ای استراتژیک و حیاتی تبدیل کرده است، از دیگر زمینه‌های مهم به شمار می‌روند. منابع سرشار انرژی، جمعیت بیش از یک میلیارد و هفتصد میلیونی، زمینه‌های مطلوب گردشگری و اماکن زیارتی و سیاحتی، وجود اتحادیه‌های اقتصادی و تصویب استراتژی اقتصادی در سازمان همکاری اسلامی، از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطات اقتصادی برای رسیدن به همگرایی در جهان اسلام به شمار می‌روند.



۱. قرآن کریم.
۲. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶.
۳. امجد، محمد، «نظریه‌ی همگرایی و سازمان کنفرانس اسلامی»، دین و ارتباطات، ش ۱۸ و ۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
۴. بیگدلی، مهرناز (مترجم)، انجمن برنامه‌ریزی آمریکا، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، ش ۲، تابستان ۱۳۷۹.
۵. پوراحمدی، حسین، مبانی نظری دیپلماسی نوین: هدایت دیپلماسی در عصر جهانی شدن، در دیپلماسی نوین: جستاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گردآوری حسین‌پور احمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸.
۶. تسخیری، محمدعلی، درباره‌ی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه‌ی محمد مقدس، مجمع تقریب، تهران، ۱۳۸۳.
۷. تفهیمی، رحمان، نگاهی دیگر به کاربرد شیوه‌های گرافیکی-بصری در تدوین چشم‌انداز، دو ماهنامه‌ی شهر نگار، ش ۵۲، تیر ۱۳۸۸.
۸. تمیزی، علیرضا و محسن اکبری، «بررسی معیارهای توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ مطالعه‌ی موردی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، دانش مدیریت، ش ۶۴، بهار ۱۳۸۳.
۹. جلالیان، حمید، برادران، سمیه و سید هادی کهنه‌پوش، نقش گردشگری در فرآیند همگرایی فرهنگی کشورهای اسلامی، چهارمین کنگره‌ی بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان، ۱۳۸۹.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تنظیم حجة الاسلام علی اسلامی، مرکز بین‌المللی نشر اسراء، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۹۹.
۱۱. جوان آراسته، حسین، اُمت و ملت، نگاهی دوباره، مجله‌ی حکومت اسلامی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۷۹.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، ریاز قربانی‌نژاد و محسن جان‌پرور، «تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل همگرایی و واگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۲، تابستان ۱۳۹۱.
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا، مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه‌ی خارج از کشور، قم، ۱۳۷۹.
۱۴. خسروی، علیرضا، نسبت ارتباطات و توسعه‌ی اقتصادی، راهبرد یاس، ش ۷، پاییز ۱۳۸۵.



۱۵. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه‌ی وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۴.
۱۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال‌الدین، ضرورت و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا، در مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
۱۷. ذوالفقاری، مهدی و زینی‌وند، حسین، دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دوره‌ی احمدی‌نژاد و روحانی، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۲۷، بهار ۱۳۹۷.
۱۸. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، بهار بیشمی، حمدالله سجاسی قیداری و یوسف حسن‌پور، «نقش کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در توریسم جهانی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۲، پاییز، ۱۳۸۸.
۱۹. زارعی، بهادر، تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام، فصلنامه‌ی سیاست، ش ۳، مهر ۱۳۹۰.
۲۰. ستوده، محمد و جمعی از پژوهشگران، موانع و فرصت‌های همگرایی در جهان اسلام (مجموعه مقالات)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. ستوده، محمد، جهانی شدن و همگرایی کشورهای اسلامی، علوم سیاسی، ش ۴۲، تابستان ۱۳۸۷.
۲۲. سریع‌القلم، محمود، «اصول ثابت توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۵۵ و ۵۶، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱.
۲۳. —، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۷۹.
۲۴. —، عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، فرزانه روز، تهران، ۱۳۹۰.
۲۵. سیف‌زاده، حسین، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی‌شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴.
۲۶. شکیبایی، علیرضا و حسن شاه‌سنایی، بررسی همگرایی اقتصادی و هم‌زمانی چرخه‌های تجاری در گروه شانگهای، پژوهش‌های اقتصادی (پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی پایدار) ش ۳، پاییز ۱۳۹۱.
۲۷. شوشتری، سید محمدجواد، سازمان کنفرانس اسلامی و چالش‌های فرهنگی فراروی جهان اسلام، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
۲۸. شولتسه، راینهارد، تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه‌ی ابراهیم توفیق، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۹.



۲۹. شیخ عطار، علیرضا، همراهی و اقتصاد: جایگاه دیپلماسی اقتصادی در همکاری‌های منطقه‌ای ایران، همشهری دیپلماتیک، ش ۳، ۱۳، تیر ۱۳۸۵.
۳۰. عزتی، عزت‌الله، ژئوپلیتیک، سمت، تهران، ۱۳۷۱.
۳۱. عزیزی‌فر، محمدجواد، ژئوپلیتیک گردشگری؛ راهبردی در توسعه‌ی گردشگری و همگرایی کشورهای جهان اسلام با محوریت توسعه‌ی گردشگری در سواحل خلیج فارس، فصلنامه‌ی مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، پیاپی ۱۳، مهر و آذر ۱۳۹۶.
۳۲. عسگری، سهراب، «نقش و جایگاه منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۱۰-۲۰۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.
۳۳. عیوضی، محمدرحیم، جهانی‌سازی و همگرایی کشورهای اسلامی (موانع و چالش‌ها)، انتشارات دانشگاه عالی دفاع، تهران، ۱۳۸۸.
۳۴. غیاثی، هادی، «ابعاد همگرایی عتبات مقدسه به‌مثابه‌ی سازمان‌های شیعی متولی زیارت»، فصلنامه‌ی فرهنگ رضوی، ش ۲۷، پاییز، ۱۳۹۸.
۳۵. فتحی، یحیی و رضا پاک‌دامن، جایگاه شرکای ایران در دیپلماسی تجاری، روابط خارجی، سال دوم، ش ۳، مهر ۱۳۸۹.
۳۶. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۱.
۳۷. فرید، مرتضی، الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل‌بیت (علیه‌السلام)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.
۳۸. فوزی توپسرکانی، یحیی، سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۳۹. قدیری، روح‌الله، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه‌ی آینده، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، بی‌تا.
۴۰. قوام، سید عبدالعلی، جهانی شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۲.
۴۱. کاظمی، سید آصف، «دور السیاحه الدینیة فی تقارب العالم الإسلامي زیارة الأربعین أنموذجاً»، مجله‌ی علمی-پژوهشی السبیط، سال هشتم، ش ۴، أيلول ۲۰۲۲.
۴۲. —، «تحلیلی بر چشم‌انداز همگرایی اسلامی»، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی اسلامی، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۴۳. کاظمی، سید علی‌اصغر، نظریه‌ی همگرایی در روابط بین‌الملل «تجربه‌ی جهان سوم»، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۷.

۴۴. — دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۵.
۴۵. کرمی‌پور، الله‌کرم، «گردشگری دینی: ماهیت و کارکرد»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۴۶. کولایی، الهه، «تحول در نظریه‌های همگرایی»، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ش ۴۸، تابستان ۱۳۷۹.
۴۷. گلکار، کورش، «چشم‌انداز شهر، محله: پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه‌ی چشم‌انداز»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۴.
۴۸. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲.
۴۹. لمبتون، ان، کی، اس، دولت و حکومت در اسلام، نشر عروج، تهران، ۱۳۷۴.
۵۰. المانجرا، مهدی، آینده‌های دنیای اسلام، ترجمه و تلخیص سیاوش ملکی‌فر، اندیشکده آصف، تهران، ۱۳۸۴.
۵۱. محتشم دولتشاهی، طهماسب، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، تهران انتشارات ویستار، ۱۳۷۵.
۵۲. محمدی، محسن، نورالله کریمیان و حسن رضایی، «ظرفیت‌های درونی اسلام در تقویت همبستگی با تمرکز بر نقش حج در وحدت جهان اسلام»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۲، پاییز ۱۳۹۴.
۵۳. مستوفی‌الممالکی، رضا، جغرافیای کشورها و نواحی اسلامی، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۲.
۵۴. معمار، رحمت‌الله، سنجش گرایش به هویت تاریخی، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای سازمان صداوسیما، تهران، ۱۳۷۸.
۵۵. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لایحه‌التراث، قم، ۱۳۷۲.
۵۶. مقام معظم رهبری، پیام به مناسبت کنگره‌ی عظیم حج، ۲۷ شهریور ۱۳۹۴.
۵۷. — دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴.
۵۸. ملکی‌فر، عقیل، الفبای آینده‌پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا، کرانه‌ی علم، تهران، ۱۳۸۵.
۵۹. موحدین، محسن، ماهنامه‌ی رویدادها و تحلیل‌ها، ش ۲۱۴، آبان ۱۳۸۶.
۶۰. موسوی شفاعی، مسعود و همت ایمانی، دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران، فصلنامه‌ی راهبرد، ش ۸۴، پاییز ۱۳۹۶.

۶۱. مؤمنی، مصطفی، مدخل جهان اسلام در دانشنامه‌ی جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، کتاب مرجع (بنیاد دائره‌المعارف اسلامی)، تهران، ۱۳۸۶.
۶۲. میرترابی، سعید، مسائل توسعه‌ی جهان اسلام، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ۱۳۹۰.
۶۳. نصری، قدیر، مناطق حیاتی خاورمیانه، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ۱۳۹۳.
۶۴. هدایتی‌زاده، نجف، فرهنگ کار مدخلی بر کار در اسلام از دیدگاه جامعه‌شناختی، مؤسسه‌ی انتشارات ائمه (علیهم‌السلام)، قم، ۱۳۷۷.
۶۵. همایون، محمدهادی، جهانگردی به‌عنوان یک ارتباط میان‌فرهنگی: مطالعه‌ی تطبیقی الگوی غربی معاصر و الگوی اسلامی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ۱۳۸۴.

66. ww.farsi.khamenei.ir

67. www.fa.wikipedia.org

68. www.sesric.org/

